

مؤلفه‌های سنتی کار در ادبیات شفاهی

فاطمه عزتی^۱

چکیده

کار و تلاش از مقوله‌هایی هستند که در فرهنگ مردم بر آنها بسیار تأکید شده است. مؤلفه‌هایی مانند «احساس مسئولیت»، «وجدان کاری»، «کسب روزی حلال»، «برنامه‌ریزی و مدیریت زمان»، «وقت‌شناسی» و «سحرخیزی» در ادبیات شفاهی به وفور دیده می‌شوند. مطالعه ژرف این مفاهیم نشان می‌دهد «ثروت و دارایی» در ساحت فرهنگ عامه بیشتر ماهیتی «کیفی و انتزاعی» دارد و از معانی‌ای چون تکاثر و تجمل‌گرایی به دور است.

بررسی ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهد که در فرهنگ مردم ایران، مثل‌هایی وجود دارند که به جنبه‌های مختلف کار و تلاش توجه نشان داده‌اند، اما چندان که بایسته است، بازتولید نشده‌اند که در صورت انجام چنین کاری می‌توان ضمن تبیین فرهنگی ناب و برگرفته از آموزه‌های دینی و فرهنگی، به بازتعریف فرهنگ کاری پویا و پاسخگو به نیاز امروز جامعه پرداخت تا بتوان تلاشی جهادگونه را برای تولید و سازندگی سامان داد.

کلیدواژه‌ها: کار و تلاش، فرهنگ کار، اصالت کار، توسل در کار، رزق

حلال

1. کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر مرکز تحقیقات صداوسیما
ezzatyf@irib.ir

مقدمه

فرهنگ‌عامه و ادب‌شفاهی به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی آن، مهم‌ترین عنصر سازنده فرهنگ ملی به‌شمار می‌رود. در این میان، ضرب‌المثل‌ها که در واقع بیان فشرده‌شده‌ای از پندها و اندرزها و آرا و تجارب نسل‌های گذشته هستند، تأثیر تعدیل‌کننده‌ای بر اخلاق و افکار مردم دارند و آینه تمام‌نمای هنجارهای اجتماعی، عقاید، اندیشه‌ها، شیوه زندگی، منش، مناسبات، تمدن و اخلاق ملت‌ها محسوب می‌شوند. از همین رو مطالعه و خوانش آنها، تصویری شفاف از عادات، خلق و خو، فکر و اندیشه، حساسیت‌ها و علایق یک ملت ارائه می‌دهند. این امثال اگرچه قوانین جامعه به‌شمار نمی‌روند، اما از نظر کارکردهای اجتماعی مانند عرف جامعه بیانگر ارزش‌ها و کنش‌های رفتاری و اجتماعی مورد قبول جامعه و معرف جهان‌بینی و بینش هر جامعه‌ای هستند. (عثمان، 1371: 00)

«فرهنگ کار» نیز به‌عنوان شیوه زندگی، نقش مهمی در ارتقای سطح پویایی جوامع دارد. نگاهی به برخی از آموزه‌های برگرفته از فرهنگ عامه نشان می‌دهد که مردمان این مرزوبوم، بیکاری، تنبلی و تن‌پروری را دشمنی با خدا می‌دانند و در سایه کار و تلاش به دنبال خیر دنیا و آخرت هستند. این اعتقاد که بخشی از اجزا و عناصر مهم فرهنگ عامه به شمار می‌آید، در همه نواحی این سرزمین وجود دارد و تنها عبارات آنهاست که با توجه به گویش‌های زبانی مختلف رایج در کشور تغییر می‌یابد. فراونی، تنوع و گستردگی مفاهیم و مؤلفه‌های مربوط به فرهنگ «کار و تلاش» به حدی است که می‌توان آن را بسان رنگین‌کمانی از جلوه‌های گوناگون اعتقاد به کار و تولید در میان اقوام و نواحی مختلف کشور توصیف کرد.

این فرهنگ که از نسلی به نسل دیگر رسیده است، می‌تواند منبع الهام‌بخشی در کار و عادات روزمره ما قرار گیرد؛ همچنین، فراهم کردن بستر و زمینه‌های مناسب برای سخت‌کوشی، خلاقیت، ابتکار و نوآوری، احساس

مؤلفه‌های سنتی کار در ادبیات شفاهی ❖ 47

مسئولیت و تعهد در جامعه از دیگر برکات «فرهنگ کار» است.¹ براین اساس ضروری است تا ضمن شناسایی مبانی فرهنگی و بومی «کار و فعالیت اقتصادی»، موانع موجود در این مسیر را نیز شناسایی و تبیین کرد؛ چرا که بدون تردید استقرار و نهادینه شدن هر پدیده اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از جمله ایجاد «فرهنگ اشتغال پایدار و مولد» تنها با سرمایه‌گذاری یا به‌کارگیری فناوری خاص محقق نمی‌شود؛ این امور اگرچه ضروری هستند، اما میزان توفیق آن را باید در بستری مناسب از ارزش‌های اجتماعی مورد قبول درخصوص «فرهنگ کار» جست‌وجو کرد؛ امری که توجه به آن سال‌هاست مهجور و مغفول مانده است. نهادهای اجتماعی، دستگاه‌ها و سازمان‌هایی چون خانواده، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و دیگر نهادها و سازمان‌های فرهنگ‌ساز از عوامل مؤثر در اصلاح و زدودن سنت‌های غلط در مقوله کار هستند که بی‌شک از میان این نهادها، «رسانه ملی» نقش برجسته‌تر و عظیم‌تری دارد. براین اساس، پژوهش‌های مختلف و نمایش آن در قالب‌های متفاوت از رسانه می‌تواند به تقویت فرهنگ کار در جامعه یاری رساند.

مفهوم کار

کار یکی از جنبه‌های پراهمیت زندگی است، اما تعریف و توصیف آنچه به عنوان «کار» تلقی می‌شود و این‌که اساساً چه نوع فعالیتی به عنوان «کار» یا «فراغت» پذیرفته است و چگونگی تفسیر و تحلیل این فعالیت‌ها با مشکلاتی

1. البته ترویج یک فرهنگ کاری فعال در گرو توجه به اقتضائاتی چون عدالت، افزایش دانش فنی در تمامی سطوح، ملاحظات بهداشت روانی و جسمی، امنیت شغلی، رفاه و تأمین اجتماعی، نوسازی و بهبود روش‌های مدیریتی و پیش‌بینی سازوکارهایی برای ارزیابی کمی و کیفی کار شایسته، جست‌وجوی راهکارهای مؤثر، مشارکت عوامل تولید و کار و محترم شمردن حق انتفاع عادلانه از محصول کار بین عوامل مختلف تولید، پالایش آفات و حذف آسیب‌های موجود در محیط‌های کار نیز هست که جزئی از وظایف «مدیریت کار» به شمار می‌آید.

همراه است^۱. این پیچیدگی، در مجموع، به شرایط زمانی، مکانی و فرهنگی موجود جامعه‌ای که کار در آن «زمینه»^۲ بررسی و مطالعه می‌شود، بستگی دارد و جدای از بافت اجتماعی، شرایط زبان‌شناختی و موقعیت تکنولوژیک آن قابل فهم نیست. بنابراین توصیف «کار» و «بی‌کاری» و تفاوت میان این دو به عنوان موضوعی اجتماعی در مقاطع تاریخی و فرهنگی متفاوت، شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. برای مثال، مقایسه کار در کشورهای پیشرفته و کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد که نه تنها فناوری آنها کاملاً متفاوت است، بلکه روش‌های انگیزه‌دهی و ارتباطات اجتماعی نیز با هم یکی نیست. (فکوهی، 1399: 17-12)

مفهوم «کار» در همه فرهنگ‌ها اساس نظام اقتصادی است که با نهادهایی چون تولید و توزیع کالاها و خدمات سروکار دارند. این واژه در لغت به معانی متعددی به کار رفته است؛ مانند: آنچه از کسی سر می‌زند؛ فعالیتی که شخص به طور روزانه به آن مشغول است و معمولاً بابت آن حقوق دریافت می‌کند (شغل)، آنچه کسی را مشغول می‌کند (سرگرمی)، مسئولیت و وظیفه، صنعت و هنر و حرفه، آنچه کسی را گرفتار یا مشغول می‌کند (مشغولیت، گرفتاری)، گره‌خوردگی و دشواری و مشکل، وضعیت و حال و اوضاع و احوال، قضیه و امر و مجازاً به معانی گوناگون دیگر. همچنین، علاوه بر قرارگرفتن آن به صورت جزء پسین بعضی از کلمه‌های مرکب چون آهن‌کار، خلاف‌کار، ریاکار، مددکار و نظیر اینها، در عبارات بسیاری نیز کاربرد دارد و مفاهیم گوناگونی را منتقل می‌کند که چون ذکر همه آنها موجب تطویل کلام می‌شود، تنها به چند نمونه اکتفا می‌گردد:

1. برای مطالعه بیشتر در خصوص بیان مشکلات و پیچیدگی‌های تعریف عینی از مقوله «کار» و بازشناخت آن از «فراغت»، ر.ک. به: ناصر فکوهی (1399) کار و وجدان‌کاری در فرهنگ عامه، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.

مؤلفه‌های سنتی کار در ادبیات شفاهی ❖ 49

کار از پیش بردن؛ عملی را به خوبی انجام دادن و نتیجه مطلوب گرفتن.
 کار دست کسی دادن؛ او را دچار مشکل و دردسر ساختن.
 کار روی غلتک افتادن؛ رفع شدن موانع کار و پیش رفتن کار.
 کار را لنگ کردن؛ در جریان آن وقفه ایجاد کردن.
 کار یک روز و دو روز نبودن؛ همیشگی و برقرار بودن امری، دایمی بودن عملی. (برای فهرستی از این عبارات، ر.ک. دهخدا، 1399: 1183-1171)

مفهوم «کار» در فرهنگ فارسی نیز چنین تعریف شده است: «آنچه از کسی سر می‌زند، عمل و فعالیتی که شخص به‌طور روزانه به آن مشغول است و معمولاً بابت آن حقوق دریافت می‌کند».

صاحب‌نظران مختلف، با رویکرد و مکاتب فکری متفاوت نیز تعاریف زیادی از مفهوم «کار» ارائه داده‌اند. امروزه صاحب‌نظران علم اقتصاد واژه «کار» را عملاً محدود به کار انسان می‌دانند. برخی از آنان این اصطلاح را برای کوشش‌های دشوار و پرزحمت به کار می‌برند و برخی دیگر، هر کوششی را که نیازی را ارضا نماید یا فایده‌ای را ایجاد کند، «کار مولد» به‌شمار می‌آورند؛ مانند کار بازیگر و هنرپیشه، قاضی، زارع یا نویسنده. در این نوشته مراد از کار، همان فعالیتی است که شخص به آن مشغول است و از طریق درآمد آن امرار معاش می‌کند و برای او نوعی صنعت، هنر، حرفه، مسئولیت، وظیفه و به عبارتی شغل محسوب می‌شود و با این فعالیت، او بی‌کار تلقی نمی‌شود.

فرهنگ کار و مؤلفه‌های آن

چنانچه به‌اختصار «فرهنگ» را «مجموعه ارزش‌ها، باورها و دانش‌های مشترک و پذیرفته شده یک گروه» بدانیم و «کار» را نیز «فعالیت‌های اقتصادی که منجر به ارزش افزوده می‌گردد» در نظر بگیریم؛ آن‌گاه می‌توان «فرهنگ کار» را «مجموعه ارزش‌ها، باورها و دانش‌های مشترک و پذیرفته شده یک گروه کاری در انجام فعالیت‌های معطوف به تولید یا ایجاد ارزش افزوده»

دانست. این مقوله کیفی از تعدادی شاخصه‌های مثبت تشکیل شده است که بر اساس دیدگاه تورکو^۱ وظیفه‌شناسی، مسئولیت‌پذیری و آموزش‌پذیری و از دیدگاه برات، صرفه‌جویی، سخت‌کوشی، رعایت نظم در انجام کارها؛ و از دیدگاه پاپ^۲، نگرش مثبت به کار، برخورداری از وجدان کاری بالا و همکاری گروهی، از مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگ کار است.

عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذاری بر «فرهنگ کار» گسترده است و می‌توان به ترکیبی از عوامل جغرافیایی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی در شکل‌دادن به این فرهنگ اشاره کرد. در نظریه‌های اقتصادی نیز به مواردی نظیر میزان آمادگی و توان کاری نیروی انسانی، میزان تسلط کارکنان بر ماهیت شغل، میزان حمایت سازمان‌ها از کارکنان، میزان انگیزه و تعهد کارکنان به کارفرما و سازمان متبوع خود، کیفیت بازخوردها، میزان اعتبار و تطابق تصمیمات با قوانین سازمانی، نگرش‌ها و روحیه کار جمعی، اخلاق کاری و غیره اشاره شده است. در مجموع، می‌توان به 9 عامل مؤثر بر «فرهنگ کار» اشاره کرد که البته این عوامل در سطح کلان معلول شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند و در سطح خرد به نظام مدیریتی و سازمان کاری و نیز نظام شخصیتی و فردی بستگی دارند. این عوامل عبارت‌اند از:

۱. احساس مفید بودن
۲. تصویر ذهنی از استعداد کاری خود
۳. نگرش مثبت به کار
۴. میزان پذیرش تغییرات و روش‌های کاری جدید
۵. نظام فرهنگی حاکم بر جامعه
۶. میزان وضوح نقش‌ها و روش‌های کار
۷. میزان احساس عدالت

1. Turco

2. Pupe

۸. ارزش‌های درونی و بیرونی کار

۹. برخورداری از میزان وجدان کاری بالا

آثار فرهنگ کار

نگرش‌ها و ارزش‌های پذیرفته شده افراد درخصوص مقوله «کار» در دو طیف مثبت و منفی (فرهنگ کاری ضعیف یا قوی) قابل بررسی است، اما در مجموع می‌توان گفت، تقویت و ترویج فرهنگ کار، آثار و پیامدهای مهمی به دنبال دارد و ضمن تقویت وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری و افزایش اعتماد به نفس نیروی کار، موجب شکوفایی فضای تولید و سازندگی در جامعه خواهد شد. (شکل ۱)



شکل ۱. آثار مثبت فرهنگ کار

مؤلفه‌های مطلوب فرهنگ کار در ادبیات شفاهی

1. اصالت و اهمیت کار

چگونگی ارزش‌گذاری به انواع کار و فعالیت‌های موجود در جامعه، متأثر از نگرش‌های اجتماعی، ویژگی‌های فردی و خصوصیات اخلاقی است.

همچنین لازمه آغاز هر کاری دلبستگی و علاقه به آن کار است. بررسی ادبیات شفاهی این سرزمین حاکی از نمونه‌ها و شواهد رایج بسیاری مبنی بر مذموم شمردن «بی‌کاری» و «کم‌کاری» و اصالت دادن به ذات «کار» فارغ از هر نوع ارزش‌گذاری است. در اکثر مناطق کشور این ضرب‌المثل با مضمونی به نسبت مشابه رایج است که «کار جوهر مرد است» یا «کار جوهر مرد را زیاد می‌کند» (شکورزاده، 1300: 120) یا «مادام که حرفه و مهارتی می‌دانی نزد مردم خود نخواهی مرد» یا «تا تن به کار ندهی، به جایی نمی‌رسی» (شاملو، 1381: 2000). این ضرب‌المثل:

«سعی کن در کار آش کاسه‌گر چینی نباشد گو مباش»

(ذوالفقاری، 1388: 1000)

به این معنی که نفس کار مهم است و باید به نحو احسن انجام شود، حال اگر کاسه و ظروف چینی و گران‌قیمت هم نبود، اشکالی ندارد (کنایه از ظروف گران‌قیمتی که تهیه آن برای همه کس و همه اقشار میسر نیست و البته حاکی از امکانات، تمهیدات و شرایط مقدماتی کار نیز هست) که مشابه آن ضرب‌المثل‌های «کار کن بگذر از گفتار» یا «دو صد گفته چو نیم‌کردار نیست» هستند.

عبارات زیر نیز حاکی از تأکید بر «عمل» و ضرورت «تلاش مستمر و پیگیر» برای دستیابی به اهداف و ارزش‌های انسانی و «قدر و منزلت فرد کاری و پرتلاش» است:

«هر چیز با زحمت و تلاش است که به غسل تبدیل می‌شود» (هیچ گنجی بدون تلاش و زحمت به دست نمی‌آید) یا «اگر نان و غسل می‌خواهی، وسایل کار را بردار و شروع کن» یا «بدون کار نمی‌توان غسل خورد». (ابوبکری، 1388: 77) «فرد کاری و پرتلاش، ریسمانی از مروارید بر گردن دارد». (سفیدگرشهانقی، 1300: 18-19) «فرد کاری و پرتلاش دست به

هرچه زند طلا خواهد شد». «عاقبت جوینده یابنده بود» یا «گر کار کنی عزیز باشی». (ذوالفقاری، 1388: ذیل عبارت کار) همچنین ضرب‌المثل‌هایی مانند «نباید خود را از کار ترساند» یا این که گفته می‌شود: «چشم است که هر کاری را می‌ترساند»؛ یعنی اگر نگاه عمیق و نافذ انسانی به هر کاری بیفتد، در صورت داشتن اراده قوی، آن کار هرچند مشکل باشد، امکان‌پذیر خواهد بود. به عبارت دیگر با خواست و اراده انسان، هر کاری شدنی است.

2. نفی بیکاری و بطالت

ادبیات عامه اغلب همزمان و به صورتی دوگانه، فرد را از «بی‌کاری» برحذر می‌دارد و او را به «کار و تلاش» راغب می‌سازد. برای نمونه در ضرب‌المثل زیر اعتقاد بر این است که: «بیماری به ز بیکاری» (شاملو، 1381: 4444). «آدم بیکار جادوگر می‌شود»؛ کنایه از اینکه شخص بیکار ممکن است دست به بسیاری از کارها بزند که هیچ سودی برایش در بر نداشته باشد؛ به عبارت دیگر اگر جادوگر کار و حرفه‌ای برای کسب روزی داشت، هرگز به سحر و جادو مبادرت نمی‌ورزید. یا گفته می‌شود:

«بدتر از کاهلی ندانم که چیست؟» چرا که معتقدند آدم بیکاره و کاهل به کارهای زشت و ناپسند دچار می‌شود. «مطالعات فرهنگی»
«هر که او تخم کاهلی کارد کاهلی، کافریش بار آرد»؛ مؤید همین اعتقاد است که فرد بیکار و لاابالی به بیراهه کفر و معصیت خواهد رسید.

«بیکاره را زن نمی‌دهیم» (سفیدگرشهانقی، 1300: 32)

«آدم بیکار در خواب به که بیدار» (قلندری، 1300: 24)

«اگر حلقوم آسیاب خالی بماند، سنگ با سنگ برخورد می‌کند و فرسایش می‌یابد». (آذری)

1. در گویش بیرجندی گفته می‌شود: «کار ره چشم مترسونه»

«آهنی که به کار گرفته نشود، زنگار می‌بندد». (آذری) (ذوالفقاری، 1388، ج 1: 610)

مجموع این ابیات و تعبیر به این مفهوم هستند که آدم بیکار و بی‌عار تنها لایق ازدواج و تشکیل خانواده نیست و بهتر که خواب باشد تا بیدار؛ چرا که فعالیت چنین افرادی عموماً زیانبار است و چیزی جز شرارت و کارهای زشت و ناشایست از آنان انتظار نمی‌رود.
«فقر زائیده تنبلی است». (لری)

«تنبلی دام شیطان است». (سفیدگر شهانقی، 1300: 42)
«فرد تنبل بیمار است و سالم نمی‌ماند». (بیرجندی) (ذوالفقاری، 1388، ج 1: 777)

این عبارات نشان می‌دهد «تنبلی» و «بی‌کاری» نزد تمام «قومیت‌ها» و «فرهنگ‌ها» این سرزمین امری مذموم و ناپسند شمرده می‌شود.

3. اهمیت سحرخیزی

سحرخیزی و بیدار شدن قبل از طلوع خورشید یکی دیگر از روحیات پسندیده مردم ایران است و اعتقاد بر این است که «هرکه سحر بار کرد، صبح به منزل رسید» (بیرجندی) یا «سحرخیز کارهایش را تمام می‌کند و خلاص می‌شود». (ترکمنی) بنابراین به جوانان چنین توصیه می‌کنند: «سحرخیز باش تا کامروا باشی» (شکورزاده، 1300: 888) یا این نصیحت که: «جوان اسبش را به هنگام نمایان شدن ستاره سحری (و آغاز روز) زین می‌کند». (بیرجندی)

4. اهمیت توسل در شروع کار

طلب یاری و موفقیت طلبیدن در شروع هر کاری نیز از دیگر خصایص مردمان این مرز و بوم است که نمونه‌های فراوانی از آن یافت می‌شود. مانند:

«خداوندا مرا درمانده مگذار کلام‌الله مرا شرمنده مگذار»

(قلندری، 1300: 17)

«ای خدای کردگار دانه‌ها را کن هزار»

(همان: 19)

همچنین برکت خواستن از خدا در شروع هر کاری که همانند توصیه مؤکد بزرگان دینی ما برای بیان ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» برای شروع هرکاری است.

«هر دانه‌ای که روی خاک پاشیده می‌شود، روزی و برکت است»

«ای کشاورزی که دانه به خاک پاشیده‌ای، خدا به کارت برکت دهد»

نکته مهم و قابل تأمل آن است که در فولکلور ایرانی هرگز «توسل و توکل بدون کار و تلاش» تجویز نشده، بلکه ضمن تأکید بر جدیت، پشتکار و تلاش مستمر و پیگیر، به توکل و توسل به ائمه معصومین¹ توصیه شده است.

«گندم می‌کارم و دارم توکل بر خدا از خطر محفوظ مانم همّت شاه رضا»

(بیرجندی)

5. اهمّیت کسب روزی حلال

همچنین در فرهنگ عامّه بر «اهمّیت حلال بودن دارایی و ثروت» تأکید شده است. این اعتقاد در گستره فرهنگ عامّه و در میان اقوام مختلف ایرانی رواج دارد و به نوعی حاکی از قداست و اصالت «حلال» بودن «ثروت» و «دارایی» است. برای نمونه، به تعدادی از شواهد و تعابیری دال بر این مضمون، اشاره می‌شود:

- اگر دانه کاشته شده حلال باشد، رنج و زحمت به باد نخواهد رفت

(بیرجندی)

- کار حلال لذّت دارد (آذری)

- ثروت خدا داده هرگز از بین نمی‌رود یا «مال حلال ضایع نمی‌شود» (آذری) (سفیدگرشهانقی، 1300: 20-21)
- مال حلال روی آب هم می‌ماند (ایلامی، لری)
- مال حلال سر جای خودش است (بختیاری)
- مال حلال را دزد هر کجا ببرد بالاخره به صاحبش خواهد رسید (لری)
- (ذوالفقاری، 1388: ذیل عبارات «مال» و «حلال»)
- مال حرام برکت ندارد (بلوچی)
- مال حرام عاقبت به راه حرام رود (یا مال حرام بود که به راه حرام رفت) (لری، ایلامی)
- مال حرام وفا نمی‌کند (بیرجندی)
- حرام براده آهن است، دندان در آن فرو نمی‌رود
- مال دزدی برکت ندارد (آذری) (همان، ج 1: 442)

6. ارزش مشاوره و همفکری

این توصیه اغلب با عنوان احترام به افراد سالمند یا افراد باتجربه و کاردان نیز نمود یافته است؛ به طوری که «کار را باید به کاردان سپرد» یا «هر جا پیری نیست تدبیری نیست»، به ضرب‌المثل‌هایی رایج در مناطق مختلف کشور تبدیل شده است. همچنین: «گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»

- «شیرینی در خرما می‌کهنه است» که معادل دیگر برای این ضرب‌المثل عبارت است از: «دود از کنده بلند می‌شود»

- خواجه عبدالله انصاری نیز می‌فرماید: «پیران را مدارید خوار تا همه گل شوید بی‌خار»؛ چرا که پیران از تجارب بسیار برخوردارند و استفاده از تجارب آنان مایه عزت و سربلندی و تضمین‌کننده موفقیت است.

دکتر فکوهی از این مضامین در فرهنگ عامه با تعبیر «روابط سالم و انسانی در محیط کار» یاد می‌کند و آن را ناشی از شناخت جایگاه فرد در محیط کاری می‌داند. (فکوهی، پیشین: 82-00)

7. برنامه‌ریزی و دوراندیشی

«آدمی باید دور خودش را بسنجد» به این معنی که انسان باید آینده‌نگر و مال‌اندیش باشد. در مناطق مختلف کشور و با گویش‌های مختلف ضرب‌المثل‌های مختلفی در این باره وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

«کار را بسنج و بعد دست به کار بده» (کردی) (ابوبکری، 1388: 27-28)
 «در فصل بهار تلاش و حرکت کن تا در زمستان برکت درو کنی» (گیلکی، مازندرانی، آذری)

«انسان عاقل در بهار، زمستان را فراموش نمی‌کند» (آذری)
 (سفیدگرشهانقی، 1300: 43)

«چیزی که عقب بماند، کهنه و پلاسیده می‌شود» (سمنانی)، یعنی کار را در موعد مقرر خود انجام دهید.

همچنین «صبوری» و «قناعت» دو ویژگی مهم مردمان اعصار گذشته بوده است مانند «صبر برادر زور است»، «در اثر صبر نوبت ظفر آید»، «صبر تلخ است ولی میوه آن شیرین است» از توصیه‌های عمومی به صبر و بردباری است. برای اجتناب از تعجیل و شتاب در کارها نیز چنین توصیه می‌شود: «صد بار بیندیش و یک بار مینداز» که نشان می‌دهد کار و تلاش همراه با برنامه‌ریزی و دوراندیشی از ارزش‌های تأکید شده در فولکلور ایرانی است.

8. تقبیح تجمل‌گرایی

متون فرهنگ‌عامه، «قناعت» و «ساده‌زیستی» را از ویژگی‌های مهم مردمان این سرزمین برمی‌شمارد و آن را بسیار برجسته می‌سازد و در مقابل، «تکاثر» و «جمع‌آوری ثروت» و «تجمل‌گرایی» را امری «زشت» و «بیهوده» می‌داند. مثل‌های زیر این تعابیر را منتقل می‌کنند:

«مال دنیا چرک دست است» (تعابیری شبیه به این مضمون که با عبارات‌های متفاوت تکرار شده و از ضرب‌المثل‌های رایج شهر بابکی، جیرفتی، دزفولی، ساوه‌ای، کهگیلویه‌ای و غیره است). (ذوالفقاری، همان)

«ثروت چرک دست است، اگر زیاد شود از میان می‌رود» (ترکمنی)
«ثروت ریشه صاحبش را می‌کند» (آذری) (سفیدگرشهانقی، 1300: 41-

(00)

«ثروت فراوان چشم صاحبش را کور می‌کند» (گیلکی)
«مال دنیا یک شاخش طلاست و یک شاخش بلا» (کردی) (ابوبکری،

1388: 43)

«مال دنیا آب شور است» (آذری، لری)

جمع‌بندی

در این نوشتار تلاش شد تا «فرهنگ کار» و اصالت‌های آن با نگاهی تحلیلی در فرهنگ‌عامه مردم ایران مورد بررسی قرار گیرد. در این مورد چند نکته حایز اهمیت است:

1. از ویژگی‌های مهم فرهنگ‌عامه کشورمان پیوندی است که این فرهنگ با زندگی تولیدی جامعه دارد. به همین منظور در متون این فرهنگ به سادگی می‌توان با مسائل معیشتی و اقتصادی مردم روبه‌رو شد. در این فرهنگ، «کار» ارزش والا و برجسته‌ای دارد و در مقابل «تنبلی» و «بی‌کاری» بسیار مذمّت شده است.

مؤلفه‌های سنتی کار در ادبیات شفاهی ❖ 59

2. در فرهنگ‌عامه فایده عملی تلاش و حرکت بسیار مورد توجه است و مفید بودن را نشانه ارزش و اهمیت یک اثر می‌دانند؛ به این دلیل گرایش به واقع‌گرایی در «فرهنگ کار» بسیار جدی است و همواره بر نتایج محسوس و عملی کار تأکید می‌شود. به بیان دیگر، «کار بیهوده و بی‌نتیجه» نیز همانند «بطالت و بیکاری» در این فرهنگ مورد مذمت واقع شده است.
3. در فرهنگ‌عامه، «توسل و توکل» حائز اهمیت فراوان و بسیار مورد تأکید است، اما نکته قابل تأمل آن است که در این فرهنگ ضمن تجویز کار و تلاش مستمر و پیگیر، بر توکل و توسل نیز تأکید شده است.
4. در باور، اندیشه، رفتار و کردار برخاسته از این فرهنگ؛ بر انجام امور خیر، احترام به مردم، توجه به دیگران، قدر دانستن نعمت‌های خداوند، حرمت نان و نمک، ارج نهادن به هر نوع کمک و همیاری و خلاصه همه نکات خوب و مثبت زندگی تأکید و تشویق شده است. به دیگر سخن، در این فرهنگ شاهد نوعی «نظام اخلاقی و انسانی» برجسته هستیم و شاید بتوان ادعا کرد که تأکید اسلام بر خمس، زکات و انفاق نیز از این روست که با توزیع ثروت در جامعه عدالت برقرار گردد.
5. متون فرهنگ‌عامه «قناعت» و «ساده‌زیستی» را از ویژگی‌های مهم مردمان این سرزمین می‌داند و آن را بسیار برجسته می‌سازد. در واقع، حدّ ثروت در فرهنگ‌عامه کمی نیست، بلکه کیفی و حاکی از نوعی «آرامش» و «بی‌نیازی» است و در مقابل، «تجمل‌گرایی»، «اسراف» و «مصرف بیش از نیاز واقعی» در این فرهنگ همواره مورد نفی و مذمت بوده است. در حالی که امروزه رسانه‌های جمعی به جای ترغیب مردم به قناعت و صرفه‌جویی، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی را ترویج می‌کنند که بی‌تردید این امر در بلندمدت اقتصاد کشور را با چالش روبه‌رو خواهد ساخت.

منابع

الف) کتاب

1. دهخدا، علی اکبر (1399) لغت نامه دهخدا، دوره 14 جلدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
2. ذوالفقاری، حسن (1388) فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی، تهران: معین.
3. شاملو، احمد (1381) کتاب کوچه، تهران: انتشارات مازیار.
4. شکورزاده بلوری، احمد (1300) عقاید و رسوم مردم خراسان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
5. عثمان، محمدطیب (1371) راهنمای گردآوری سنت های شفاهی، ترجمه عطاالله رهبر، تهران: نشر آناهیتا.
6. فکوهی، ناصر (1399) کار و وجدان کاری در فرهنگ عامه، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.

ب) گزارش پژوهشی

1. ابوبکری، کمال (1388) «ترانه های کار در شهرهای کردنشین»، واحد آموزش و پژوهش، صدا و سیما مرکز مهاباد.
2. سفیدگرشهانقی، حمید (1300) «ترانه های کار در آذربایجان»، واحد آموزش و پژوهش، صدا و سیما استان آذربایجان شرقی.
3. قلندری، محمدحسن (1300) «جلوه های کار و تلاش در فرهنگ عامه مردم»، واحد آموزش و پژوهش، صدا و سیما استان خراسان شمالی.